

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۶ سپتمبر ۲۰۲۳

تغییر ستراتیژی "پاکسازی قومی" به "تخلیه کامل منطقه"!

جمعه - ۲۴ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز باز هم مکث کوتاهی داریم در مورد مسدود ماندن بندر تورخم و نقش این تکنیک در تطبیق ستراتیژی تخلیه کوهدامن زمین از نفوس فعلی آن! هرگاه به خبر های امروز گوش داده باشید حتماً شنیده اید که امروز یعنی در دهمین روز انسداد بندر تورخم، سرانجام این بندر بدون آن که کسی علت انسداد آن را توضیح داده باشد و این را بگویند که تحت کدام شرایطی مجدداً باز شد، باز شده عبور و مرور مسافران و اموال تجارتي در آن از سر گرفته شد.

برای درک بهتر اهمیت این بندر باید بیفزائیم که بندر تورخم همراه با بندر سپین بولدک دو بندر اصلی روابط اقتصادی و تجارتي و حتا مسافرتي بين افغانستان و پاکستان بوده، جمعاً بیش از ۹۵ درصد تمام ارتباطات از طریق همین دو بندر تأمین می گردد. در این میانه نقش تورخم حتا نسبت به سپین بولدک یک تناسب ۷۰ و ۳۰ درصد را نشان می دهد. با این درک وقتی از زبان "زاهدانه، رئیس اتاق تجارت مشترک پاکستان و افغانستان" می خوانیم که کلیت مناسبات و مبادلات اقتصادی بین افغانستان و پاکستان در یک سال رقمی در حدود ۸ میلیارد دالر می گردد، با یک حساب سرانگشتی می توان محاسبه کرد که مسدود ماندن این بندر برای مدت ۹ روز، بیش از ۱۰۰ میلیون دالر خسارت بار آورده است. از آنجائی که اکنون فصل صادرات افغانستان است باز هم گفته می توانیم که از رقم ۱۰۰ میلیون دالر حداقل ۷۰ میلیون دالر ضرر به تجار و مولدین افغانستان وارد شده است.

در صحبتی که روز گذشته با یک تن از تجاری که در طول سالهای گذشته بیشتر با باغداران قلعه بلند و قلعه امیری ولسوالی بگرام رابطه داشت، داشتم؛ وی مسدود ماندن بندر تورخم را نه تنها برای باغداران آن منطقه چیزی کمتر از یک سونامی و سیل و طوفان ویرانگر ندانست بلکه تأثیر آن را بر کاروبار تمام تجاری که با تولیدات کوهدامن زمین و کوهستان کار می کنند نیز مرگبار دانسته، در مورد خودش گفت: "نمی دانم ضرر و زیان برخاسته از ضایعات اموال صادراتی خود را از چه طریق جبران نمایم. تا حال چند بار به فروش جایداد و املاک منقول و غیر منقول فکر نموده ام، مگر با تأسف آن را هم کافی و کارساز نیافته ام. احتمالاً اگر چاره ای نیابم از کشور فرار خواهم نمود"

تجار مورد بحث که خودش پشتون و به قوم "یوسفزئی" تعلق دارد، در ادامه صحبت راجع به سیاست های طالبان هم در دور نخست حاکمیت شان و هم در مقطع کنونی نکته ای را مطرح کرد که برای خودم نیز جدید بود. وی افزود:

زمانی که طالب بار نخست بعد از فرار ذیلانۀ "ربانی - مسعود" و باند شان کابل را تصرف و جهت تعقیب فراریان جمعیتی و شورای نظاری وارد دند کوهدامن و کوهستان شدند، سیاست شان در قبال باشندگان آن منطقه به صورت روشن "پاکسازی قومی" بود. یعنی همزمان با این که با پشتونهای ساکن در مجموع دند کوهدامن و کوهستان از یوسفزئی ها گرفته تا درانی ها و صافی ها نسبتاً سازشکارانه بود و امیدوار بودند که آنها را به برادر کشی علیه سایر باشندگان محل که عمدتاً تاجیک و اقلیت های قومی دیگر بودند سوق دهند و از همین رو با قطع تاکها و اشجار و ویرانی خانه های شان، می کوشیدند تا آنها را وادار به فرار از خانه و کاشانه شان سازند، این بار سیاست "پاکسازی قومی" شان را گسترش داده تقریباً با تمام باشندگان این مناطق اعم از تاجیک، پشتون و سایر اقوام از در خصومت و دشمنی پیش می آیند.

این که علت اصلی چنین تصمیمی از جانب آنها چیست فقط برای خودشان معلوم است، ظاهراً چنین استنباط می شود که طالب از روابط حسنه و برادرانه ای که باشندگان پشتون منطقه با باشندگان سایر اقوام از خود نشان دادند، راضی نیست. از همین رو می خواهند اینبار بدون استثناء باشندگان محل را وادار به کوچ و فرار از منطقه بسازند.

این حرفی نیست که مردم از دل خود بگویند، به اساس گفته یکی از بزرگان طالب، حاکمیت کابل تا زمانی مورد خطر قرار دارد که باشندگان شمال کابل مطلقاً از محل تصفیه نشده و به جای آنها نزدیکترین و وفادارترین افراد در آن منطقه ساکن نگردند.

وقتی از چنین منظری به قضایا نگریسته شود، مشخص می گردد که تخلیه منطقه از نفوس فعلی آن بدون در نظر داشت تعلق قومی آنها ستراتیژی محرک طالب و بادران آنها می باشد. جهت تحقق این ستراتیژی به همان اندازه که سرکوب، زندان، کشتار و حق و ناحق افکندن جوانان به زندان می تواند نقش داشته باشد، گرفتن نان و روزی آنها نیز مؤثر بوده، حتا ویرانگرتر نیز است.

از همین رو گفته می توانیم که انسداد بندر تورخم در زمان کنونی با تمام کش و فش و دو طرف، تکنیکی است از جانب طالب و بادرانش در جهت تحقق ستراتیژی تخلیه منطقه از باشندگان فعلی آن و آوردن تعداد از کوچی هائی که هیچ معلوم نیست آیا افغان اند و یا پاکستانی و در نهایت به کدام کشور وفادار خواهند ماند، به جای آنها.

پاکستان از دور اول حاکمیت طالب بزرگترین نفع را از جابه جایی اقوام ترکمن افغانستان و آوردن آنها به پاکستان برده، در حالی که قبل از آن چیزی به نام صنعت دستی "قالین بافی" در پاکستان وجود نداشت، از آن زمان به بعد پاکستان یکی از صادرکنندگان قالین به اروپا شده است.

دولت پاکستان باز هم خواهد کوشید تا به وسیله نوکران طالبش با تخریب حیات باشندگان افغانستان، منافع و اهداف ستراتیژیک خودش را محقق بسازد، این که تا کجا موفق می گردد، بر می گردد به چگونگی و روند مبارزاتی مردم ما علیه طالب و بادرانش.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!